

هفته رنج و یکشنبه قیام

هفته ای که از یکشنبه هوشیاعانا آغاز می شود «هفته رنج و درد» یا «هفته بزرگ» نامیده می شود. «هفته بزرگ» از آن رو که مهمترین رویدادهای تاریخ نجات در این هفته یادآوری می شوند، و از آنجا که یک یادآوری رنج و مرگ خداوند به طور سالیانه است «هفته رنج و درد» نیز نامیده می شود. این هفته محور و یا مرکز آیین نیایش، زندگی کلیسا و همچنین سال نیایشی را در تمام سنتهای نیایشی مسیحی، تشکیل می دهد.

نگرشهای متفاوت

این هفته به نامهای متفاوتی شناخته شده است. اصطلاح «هفته مقدس» میان مسیحیان شرق و غرب مشترکاً به کار می رود. در زبان آلمانی آن را Karwooe می نامند که به معنای هفته غم یا هفته مرثیه است. به این معنی که در این هفته حوادث دردناک زندگی عیسی برگزار و یادآوری می شود. در نوشته های کهن کلیسای لاتین با معنا و مفهوم عمیق کلمه، آن را «هفته درد و رنج» یا «هفته فصیح» می نامند. این موضوع نشان می دهد که همه کلیساهای چه در شرق و چه در غرب، رنج، مرگ و تدفین خداوند ما را همواره در جهت مخالف روح و معنای رستاخیز در برابر روح پر جلال آن تفسیر نموده و برگزار می کرده اند. در آیین نیایش امبروازی به آن نام «هفته سنتی» داده اند، به این مفهوم که حوادث اساسی از نظر ایمان در این هفته یادآوری می شوند. از نظر زمان این هفته در سنت لاتین همچنین به نام «هفته آمرزش گناهان» نیز نامیده می شود، زیرا در کلیسای لاتین، پنج شنبه این هفته، روز بخشایش گناهان شناخته شده است. بعضی ها در اروپا آن را «هفته دردناک» می نامند زیرا در این هفته روزه با تعمقها و قوانین سخت و دست و پاگیر همراه است. بسیاری از کلیساهای شرق به عمیق ترین مفهوم آن را «هفته نجات» نامگذاری نموده اند. کلیساهای سریانی همواره نام «هفته درد و رنج» را ترجیح داده اند، به طور خاص در این کلیساهای بر روی رنج، مرگ و تدفین خداوند، در طی این هفته تأکید زیادی می شود.

رستاخیز و هفته درد و رنج

غیرممکن است بدون توجه به رستاخیز خداوند از موضوع رنج، مرگ و تدفین خداوند درک درستی داشت. یکشنبه از همان آغاز مسیحیت، روز برگزاری و یادآوری رستاخیز به شمار می آمد. برگزاری باشکوه رستاخیز به شکل سالیانه نیز ممکن است

خیلی دیرتر آغاز شده باشد. اولین مدرک موجود درباره هفته مصائب و برگزاری آن مربوط به نامه آتاناسیوس قدیس (۲۹۵-۳۷۳) در قرن چهارم است. اما متخصصین معتقدند که برگزاری هفته درد و رنج باید خیلی زودتر از این زمان آغاز شده باشد. به هر حال، همه درباره این حقیقت که برگزاری هفته درد و رنج با واقعه رستاخیز ارتباط داشته، توافق دارند. برای ایجاد آمادگی خاص، برگزاری و یادآوری رنج، مرگ و تدفین نیز به آن اضافه شده است. بنابراین، بدین ترتیب سه گانه نیایشی فصیح آغاز گردید. این سه گانه عبارت از جمعه نیک، شنبه بزرگ و یکشنبه عید رستاخیز هستند. از نظر زمانی، پنجشنبه بنیانگذاری قربانی مقدس در شام آخر نیز به مراسم این روزهای سه گانه نیایشی افزوده شد. به تدریج یکشنبه هوشیانا نیز به این مراسم افزوده گردید تا یادآور ورود باشکوه و پیروزمندانه خداوند ما به اورشلیم و آمادگی او برای مرگ و رستاخیز باشد. هفته مقدس یا هفته مصائب در کلیسای اولیه تکامل یافته و در تمام سنتهای نیایشی زمان مناسبی برای برگزاری مهمترین و شاخص ترین حوادث زندگی عیسی قبل از رستاخیز او، به شمار می رود.

برگزاری رستاخیز

در برگزاری و یادآوری رستاخیز در جماعت‌های روحانی مختلف سنت‌های دوگانه‌ای رشد یافته‌اند. بعضی جماعات مسیحی برگزاری آن را دقیقاً در چهاردهم ماه نیسان انجام می دهند. به زعم آنان این سنت از خود یوحنا رسول آغاز شده است. برطبق نوشته یوحنا رسول خداوند عیسی دقیقاً همزمان با کشته شدن بره قربانی (بره فصیح) در معبد جان خود را تسلیم نمود و مصلوب شدن او در حقیقت جلال یافتن او بود. از این رو یادآوری فصیح در روز چهاردهم نیسان در واقع پاسخ به نیاز به هم سوئی با حقیقت تاریخی می باشد. این مسیحیان به نام (Quartodecimans) یعنی فرقه روز چهاردهم (چهاردهی‌ها) مشهور هستند. کلیساهای دیگر، بخصوص کلیساهای رم، مصر، یونان، و پنتس فصیح را در اولین یکشنبه پس از چهاردهم نیسان برگزار می کردند که براساس سنت و روایت اناجیل نظیر است. مطابق این روایت رستاخیز در اولین روز هفته به وقوع پیوسته است.

در سال ۱۵۴ میلادی قدیس انیسئوس، پاپ، و قدیس پولیکارپ، اسقف اسمیرنا (ازمیر) نشستی برگزار نمودند و ساعتها برای حل مسئله زمان برگزاری عید رستاخیز مذاکره کردند. و بالأخره، در پایان، آنها هر دو سنت فوق الذکر را رسولی و مورد قبول ارزیابی نمودند. این وضعیت ادامه یافت. در پایان قرن دوم، پاپ ویکتور اول، تصمیم خود را بر پایه سنت کاتولیک رومی جهت داد. برطبق این تصمیم، پیروان سنت دیگر، یعنی چهاردهی‌ها، با مشکل اخراج از مشارکت با دیگر کلیساهای روبه رو شدند. در این

موقعیت بحرانی با شفاعت قدیس ایرنیوس به نفع چهاردهی‌ها در نزد پاپ وضعیت را تغییر داد و پاپ اجازه داد که هر کس برطبق سنت خود عمل کند.

شورای نیقیه

شورای نیقیه با اندیشه یافتن راه حل نهایی مشکل زمان برگزاری عید رستاخیز تشکیل شد. از آنجایی که اسقفان حاضر در این نشست در این باره به دو گروه مختلف تقسیم شده بودند شورا تصمیم‌گیری در این مورد را منوط به مشورت و تصمیم اسقفان اسکندریه دانست و تصمیم آنان را قابل اجرا در تمام جنبه‌ها و فرقه‌ها ارزیابی نمود. به این ترتیب آنها با در نظر گرفتن همه جنبه‌های برگزاری عید رستاخیز تصمیم گرفتند که عید رستاخیز در اولین یکشنبه پس از بدر کامل که بعد از بیست و یکم مارس باشد جشن گرفته شود که معادل با اعتدال بهاری یا اعتدال ربیعی می‌باشد. تا امروز کلیسا از این تصمیم اسقفان اسکندریه در تعیین تاریخ عید رستاخیز پیروی می‌کند.

چرا چنین تصمیمی گرفته شد؟

پدران کلیسا به جدایی کامل از سنتهای یهودی از یک سو و وفاداری کامل به حقایق تاریخی و عناصر کیهانی مرتبط با برگزاری فصح از سوی دیگر می‌اندیشیدند. برطبق این تصمیم برگزاری عید رستاخیز هرگز برابر با چهاردهم نیسان، که روز برگزاری فصح برای یهودیان به شمار می‌رود، انجام نخواهد شد. در عین حال، می‌توان رستاخیز را در اولین روز هفته جشن گرفت، چنانکه در اناجیل نظیر روایت شده است. علاوه بر این، این ترتیب، همه عناصر کیهانی همانند فصل بهار، اعتدال ربیعی، روز و شب، ماه کامل را که توسط پدران کلیسا در ارتباط با برگزاری فصح تعبیر و تفسیر می‌گردید، در نظر می‌گیرد.

۱- فصل بهار

این واقعیت که رستاخیز خداوند ما در فصل بهار اتفاق افتاده موضوعی است که پدران کلیسا را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است. به قول قدیس گریگوری نازیانزوس این بهار کیهانی و بهار روحانی - بهاری برای جانها - بهار بدنها - بهار مرئی و بهار نامرئی توأم با هم است. تصادفی نیست که واقعه قربانی خداوند ما عیسی مسیح در بهار اتفاق افتاده است. فصل بهار تنها زمانی است که مناسب رستاخیز خداوند است. برطبق عقیده قدیس سیریل اهل اسکندریه، فصل بهار یادآور رستاخیز نجات دهنده است که از طریق او همه ما به تازگی حیات داخل شده ایم. بر اساس تفسیر یهودیان، بهار فصلی است که ذهن انسان را متوجه کارهای شگفت‌انگیز و اعمال عجیب یهوه می‌نماید، که همان

آفرینش و بازآفرینی (تولد دوباره) باشد. برگزاری فصیح در بهار، ریشه‌های قومی اسرائیل را که قوم برگزیده خدا شدند مورد تأکید قرار می‌دهد. به طور خلاصه، از دیدگاه پدران کلیسا، فصل بهار و فصیح خداوند عیسی با آفرینش و نجات همانندی و تناسب دارند.

۲- اعتدال ربیعی

در فصل بهار یا اعتدال ربیعی، روزی که خورشید در سمت الرأس زمین (در زاویه قائمه کامل نسبت به زمین) قرار می‌گیرد، یعنی بیست و یکم مارس طول شب و روز کاملاً برابر می‌شود و این روز برطبق دیدگاه پدران کلیسا همان روز آفرینش است. در این روز تمامی عالم در تعادل و موازنه کامل قرار دارد. هنگامی که خدا نور را خلق نمود روز و شب برابر بودند. هنگامی که خدا این جهان را خلق کرد همه چیز کامل و در حالت همکاری و همسویی قرار داشت. اعتدال ربیعی از دیدگاه پدران کلیسا آغاز زمان و تکمیل خلفت بود. فصیح عیسی شروع دوباره است - تجدید حالت زمان، کیهان و انسانهایی است که تعادل و توازن خود را از دست داده بودند. تنها از طریق عیسی مسیح همه چیز توان بازگشت به حالت اصلی و اولیه خود را خواهد یافت. اما در اعتدال ربیعی قدرتهای نور و ظلمت به صورت برابر جلوه گر می‌شوند. فصیح خداوند، به مثابه جشن تولد نور، تنها می‌تواند پس از پیروزی نور بر ظلمت برگزار گردد. بنابراین برگزاری و یادآوری فصیح، تنها پس از اعتدال ربیعی مناسب است.

۳- ماه کامل (بدر)

اولین ماه گاه شمار یهودیان، به نام نیسان معروف است و در روز چهاردهم آن ماه کامل در آسمان رؤیت می‌شود. قوم یهود در این روز خاص مراسم فصیح را برگزار می‌کردند. برطبق یک سنت معتبر از کلیسای کهن، خداوند ما درست زمانی که یهودیان بره قربانی را ذبح می‌کردند، بر صلیب جان داد. بدین سان چهاردهم ماه نیسان برای مسیحیان به عنوان یک روز تاریخی اهمیت یافت. همچنانکه قبلاً ذکر شد، بعضی جماعت‌های کلیسای اولیه مرگ و رستاخیز عیسی را در چهاردهم نیسان برگزار می‌نمودند. علاوه بر اینها، این روز از دیدگاه پدران کلیسا روز ماه کامل است - روزی که بیست و چهار ساعت نور باران است - یعنی روزی که در آن اصلاً تاریکی وجود ندارد. بنابراین، چنین روزی می‌تواند کاملترین و گویاترین نمود عینی از مفهوم و عمق فصیح و قربانی خداوند ما باشد. اما بنا به دلایل خاص و عوامل دیگری، یکشنبه بعد از ماه کامل به عنوان روز برگزاری فصیح مسیحی برگزیده و تثبیت شده است.

۴- غروب

در عهد عتیق بره‌های قربانی هنگام غروب (خروج ۱۲:۶) ذبح می‌شدند. عیسی دقیقاً در همان لحظات بر صلیب جان داد. علاوه بر این حقایق تاریخی، وقت غروب از دیدگاه پدران کلیسا مفهوم نمادین عمیقی دارد. این لحظات نمادی از پایان یک دوره و آغاز دوره‌ای جدید است. مرگ عیسی پیروزی او بر تاریکی و افتتاح دوره‌ی جدید سلطنت نور است. ما از طریق مرگ و رستاخیز خداوند ما، وارد دوره‌ی جدیدی شده‌ایم که همان دوره‌ی زندگی آخرت‌گرایانه است. این دوره زمان نجات است و بدین ترتیب از دایره‌ی زمان و مکان معمولی فراتر می‌رود. دوره‌ای که با خود فدیة نمودن مسیح، بره‌ی آسمان مهر شده و باید در انتهای زمان کمال یافته و به انجام رسد. غروب به مفهومی خاص برطبق سنت نیایشی کلدانی - هندی پایان روز در نظر گرفته می‌شود. بنابراین می‌تواند همچنین پایان دوره‌ی تاریکی یا بردگی و آغاز دوره‌ی نجات باشد.

۵- شب

در عهد عتیق اغلب به تشریح شب فصیح برمی‌خوریم که با مفهوم آفرینش و نجات رابطه‌ی تنگاتنگ دارد. پیش از آفرینش نور شبی طولانی بر جهان حاکم بود. قوم اسرائیل در طول یک شب از اسارت مصر رهایی یافتند. آزادی از اسارت مصر نمونه‌ای کوچک از نجاتی بود که می‌بایست از طریق مرگ و رستاخیز عیسی مسیح تکمیل شده، تحقق یابد. از آنجا که رستاخیز مسیح تاریکی گناه را از جهان بیرون نمود، شب رستاخیز برای مسیحیان و نیز تمامی بشریت از اهمیت خاصی برخوردار است. در آن شب تمامی کائنات به نور رستاخیز منور گردیده بود، حیات نوین بر مرگ پیروز شد. رستاخیز خداوند ما دقیقاً به مفهوم عمیق کلمه، آفرینش دوم است. حیات تازه‌ای که توسط رستاخیز عیسی اعطا می‌شود.

مبارزه‌ی دو سویه‌ای با مرگ و خواب است. از این رو جماعت‌های اولیه‌ی مسیحی عادت کرده بودند تمامی شب رستاخیز را در بیداری کامل و سرایش سرود و «پرستشهای آسمانی» بگذرانند.

عناصر کیهانی که به آن اشاره شد، نه فقط بر اجرا و برگزاری فصیح خداوند، بلکه حتی بر ترتیب و نظم خاص تمام هفته‌ی درد و رنج به عنوان مرحله‌ی آمادگی برای آن نیز تأثیر نافذی داشته است. در ارتباط با مهمترین و شاخص‌ترین لحظات ماجرای زندگی مسیح، برگزاری هفته‌ی درد و رنج به تدریج به موقعیت و فرصت مناسبی برای یادآوری رازهای تعمید، قربانی مقدس، مصالحه، خدمت کشیشی و غیره که در حقیقت مفاهیمی از واقعیات لحظات بحرانی و حساس زندگی ما در مسیح هستند، تبدیل شد و تکامل یافت.

هفته مقدس در آیین نیایشی سریانی - مالاباری

کتاب سریانی کلیسای سریانی - مالاباری این هفته را به نام «هفته درد و رنج» معرفی می‌کنند. اما امروزه این نام بیشتر توسط کلیساهای جدا شده از گروه برادران مسیحی تومایی هندوستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایمانداران کلیساهای سریانی - مالاباری بیشتر نامهای «هفته مقدس» یا «هفته بزرگ» را که توسط کلیساهای لاتین استفاده می‌شوند بکار می‌برند. این موضوع به احتمال قوی به روابط میسیونری آنها با کلیسای لاتین پس از قرن شانزدهم مربوط است.

یکشنبه هوشیاعانا

هفته درد و رنج با مراسم یکشنبه هوشیاعانا آغاز می‌شود. ما ورود پیروزمندانه و باشکوه خداوند ما را به اورشلیم در آن روز برگزار و یادآوری می‌نمائیم (مت ۲۱: ۱-۱۷؛ مر ۱: ۱۱-۱۱؛ لو ۱۹: ۲۸-۴۰؛ یو ۱۲: ۱۲-۱۹). این روز برای اعتراف خداوندی مسیح نجات دهنده و پادشاه و همچنین برای برگزاری آن برطبق آیین نیایشی ویژه‌ای اختصاص یافته است. این مراسم تحقق همه پیشگوئیه‌ها درباره مسیح را که در عیسی مسیح به انجام رسید اعلام می‌نماید.

آیین ویژه این روز از تقدیس شاخه‌های نخل و گروه خادمانی که آنها را حمل می‌کنند تشکیل یافته است. برطبق اعتقاد کلیسای سریانی مالاباری، تقدیس شاخه‌های نخل بیرون از کلیسا انجام می‌شود. ایمانداران در این آیین نیایشی شرکت نموده و شاخه‌های نخل در دست می‌گیرند. در رابطه با نیایش صبحگاهی *Sapra* و قسمت افتتاحیه قربانی مقدس، شاخه‌های نخل تقدیس می‌شوند. پیش از سرود رستاخیز، ایمانداران در حالی که شاخه‌های نخل در دست گرفته هوشیاعانا می‌سرایند، همگی همراه گروه خادمان به سوی کلیسا می‌روند. برگزارکننده (سرپرست) با شکوه و وقار تمام، در حالیکه زمزمور مخصوص روز را زیرلب می‌سراید سه مرتبه بر در بسته کلیسا می‌کوبد. وقتی در از داخل گشوده شد، همگی داخل شده با انجام مراسم قربانی مقدس پرستش را ادامه می‌دهند. با انجام این مراسم ورود شکوهمند خداوند ما به اورشلیم و تقدیس و پاکسازی معبد در انجیل یادآوری و اعلام می‌شود.

دوشنبه - سه شنبه - چهارشنبه

مهمترین آیین‌های نیایشی هفته درد و رنج همراه با نیایش شامگاهی (*Ramsa*) در سنت سریانی - مالابار برگزار می‌شوند. علاوه بر نشانه‌ها و عناصر کیهان‌نشی نام برده،

وقایع تاریخی زندگی عیسی نیز باید این سبک اجرای مراسم را توجیه کرده باشند. به علاوه، بر طبق این سنت روز نیایشی از غروب آغاز می شود. بنابراین کاملاً طبیعی به نظر می رسد که نیایشهای ویژه و بسیار مهم هفته درد و رنج در وقت غروب برگزار شوند.

این سنت نیایشی همچنین ارزش ویژه ای به «سرودهای آسمانی»، که در بنای ایمانداران مؤثر هستند، می بخشد. به این دلیل در تمام هفته های دوران روزه بزرگ نماز نیم روزی نیز برگزار می شود. در طی هفته درد و رنج، مردم عادی نیز به شرکت در تمام ساعت های «نیایشهای آسمانی»، یعنی نیایشهایی همچون *Edana, Sapra, Lelya, Ramsa* (نیایش نیمروزی) که هم در صحن کلیسا و داخل آن و هم در منازل برگزار می گردند، تشویق می شوند.

در روزهای دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه مراسم باشکوه قربانی مقدس همراه با نیایش شامگاهی (*Ramsa*) در تمام کلیساها در صورت امکان برگزار می شود. در بسیاری از آنها نیایش صبحگاهی (*Sapra*) نیز باشکوهی خاص برگزار می گردد.

پنجشنبه فصیح

کلیسای سریانی-مالاباری این پنجشنبه را به عنوان جشن قربانی مقدس برگزار و یادآوری می نماید. همراه با نیایش شامگاهی، قربانی مقدس یعنی *Raza* را باشکوه خاصی برگزار می نمایند. مراسم پاشویان که در اناجیل در ارتباط با روایت بنیانگذاری قربانی مقدس ارائه شده است، پس از قرائت انجیل و موعظه در قربانی مقدس به اجرا درمی آید. بر طبق نوشته های قدیمی، مراسم شستشوی پاها تنها در کلیساهای بزرگ و به دست اسقفها با شستن پاهای دوازده کشیش، انجام می شده است. در دیرها و اماکن مذهبی، مسوولان رده بالا به طور معمول پاهای راهبان یا افراد ایماندار را در طول نیایش شبانگهی (*Lelya*) می شستند ولی در کلیساهای کوچک این سنت معمول نبود. با این همه، امروزه، این سنت در تمام کلیساهای کوچک مرسوم است.

شام فصیح

صرف شام فصیح در پنجشنبه شب ایام فصیح تنها در میان مسیحیان نصرانیان قدیس تومایی هند مرسوم است. این مراسم ریشه در آیین های فصیح در بین یهودیان داشته و به شکل یک شام خانوادگی تبدیل گردیده و در ارتباط با آیین قربانی مقدس و بنیانگذاری آن، در نیایش مسیحیان جا داده شده است. این مراسم به هیچ وجه نباید به کلیسا منتقل

شود. شام پس از قربانی مقدس به خودی خود ضیافت مقدسی برای کلیساهای کوچک به شمار می‌رود. شام فصح همچنین حضور ریشه‌های یهودی را در مسیحیان نصرانی پیروان تومای قدیس نشان می‌دهد. نان مخصوصی به نام (Kurissappam) و نوشیدنی (شیر) عناصر شام فصح را تشکیل می‌دهند. مادر خانواده این عناصر را تهیه نموده و در همین حال پدر در طول صرف شام رهبری را به عهده دارد. بنابراین اگر پدر یا مادر خانواده بمیرند در آن سال خاص، شام فصح خورده نخواهد شد. آنها نان و شیری را که توسط دوستان و خویشاوندان برایشان آورده شده، بدون انجام کمترین مراسم و شکوهی می‌خورند. این نان به گونه‌ای تهیه می‌شود که صلیبی بر روی آن قرار گرفته که از شاخه‌های نخل یکشنبه هوشیعا نادرست شده است.

پس از دعای کوتاهی توسط پدر خانواده که در آن فصح یهودیان و قربانی مقدس یادآوری می‌شود، پدر نان را به سیزده قسمت تقسیم می‌کند سپس آنها را با شیر آغشته کرده به اعضای خانواده می‌دهد. آنها بر اساس سن و از بزرگ به کوچک آن را با احترام کامل دریافت نموده با دست می‌گیرند و به طور ایستاده آن را می‌خورند. بعد از آن همه می‌نشینند بقیه شیر و نان را می‌نوشند و می‌خورند. آنچه از این نان مخصوص و شیر باقی می‌ماند نه به غیرمسیحیان داده می‌شود و نه دور ریخته می‌شود. آنها باقیمانده آن را روز بعد صرف می‌کنند و صرف آن باعث شکستن روزه سخت جمعه نیک نمی‌شود.

پس از صرف شام فصح مسیحیان در گذشته تمام شب را در خانه‌های خود و یا در کلیسا در حال دعا، و به مطالعه کلام خدا، و سرائیدن مزامیر می‌پردازند. این کار به منظور یادآوری رنج و تلخکامی خداوند ما در باغ جتسیمانی، پاشیده شدن خون او و دستگیری وی توسط سربازان که همه اینها ثمره گناهان و قصورات ما می‌باشد، انجام می‌شود. در قرن شانزدهم هنگامی که هیئتهای میسیونری لاتین سیستم پرستشی نیایش تقدیس را ارائه نمودند این تعمقها و مراقبه‌های (شب بیداری) خانگی متوقف گردید. چند سال بعد وقتی پرستش شامگاهی ممنوع گردید مراقبه فوق به طور منسوخ شد. این تعمق و مراقبه که از سالمترین عادات عبادتی به شمار می‌رود، خواه در کلیسا و خواه در خانه‌ها باید تا حد امکان به سرعت بازسازی و احیا شود. «سرودهای آسمانی» ما در این ارتباط قسمت زیبایی از این مراقبه و بیدار باش شبانه را تشکیل می‌دهد.

جمعه نیک (جمعه درد و رنج)

در جمعه نیک، رنج، مرگ و تدفین خداوندمان را یادآوری می‌نمائیم. مسیحیان تومایی تمامی کارها را تعطیل می‌کردند و سراسر این روز را به دعا و روزه می‌گذراندند.

جالب توجه است که جمعه نیک در هندوستان یکی از تعطیلات رسمی به شمار می آید. مسیحیان نصرانی تومایی قدیم بنا به سنت مرسوم، پس از شام فصیح تا برگزاری صبحانه رستاخیز و نیایش مخصوص آن در ساعت ۳ بامداد شنبه بزرگ هیچ چیز نمی خوردند. مهمترین نیایش آن روز *Ramsa* یا نیایش شامگاهی است که همراه با برافراشتن صلیب، حرکت گروهی با آن و تدفین آن برگزار می شود. صلیب بر روی محراب با پوشش ویژه ای (*Urara, Kottina*) پوشانده می شود. *Kottina* (پیراهن بلند سفید کشیشان) نماد شخصیت عیسی مسیح و *Urara* (ردای کهنانت) نمادی از کهنانت او می باشد. این صلیب تومایی، محور پرستش جمعه نیک را تشکیل می دهد.

در طی نیایش شبانگاهی (*Ramsa*) در زمان مخصوص، قسمت ویژه رنجهای مسیح از انجیل بر طبق روایات لوقا، متی و یوحنا قرائت می شود. پس از موعظه، به برگزار کننده اصلی صلیب تقدیم می شود که پوشش آن را برمی دارد و سپس آن را با پارچه سفید ظریفی می پوشاند. پس از آن صلیب به همراه گروه نیایشگران و با تقویم کلیسایی و انجیل تا قربانگاه برده می شود. انجیل در جای مخصوص قرار داده شده و صلیب در وسط محراب قرار می گیرد. همه در سکوت کامل ایستاده و در طول این عمل نیایشی به گناهان خویش اعتراف می کنند. محراب (*Bema*) به نشانه جلجتا و قربانگاه (*Altar*) نمادی از گور خداوند ما بوده و بدین ترتیب مفهوم این اعمال نیایشی عبارت از پایین آوردن بدن خداوند از صلیب و حمل آن تا مقبره می باشد.

هنگامی که کشیشان و سرپرستها به سمت محراب باز می گردند، قسمت اعلام انجیل (*Karozutha*) و دعاها آغاز می شود. به نشانه اعتراف به گناهان همه در حال دعای دوم زانو می زنند.

پس از آن *Onith de Basalique* (سرود شاهانه) سراییده می شود. پس از سرایش چند بند از سرود، کشیشان و سرپرستان بر محراب قرار گرفته صلیب را به *Beth-Gazza* در سمت چپ برده، پوشش آن را برمی دارند، با کمی آب می شویند و سپس آن را خشک کرده دوباره به محراب می آورند، و سپس توسط سرپرست اصلی چند لحظه بخور سوزانیده می شود. پس از سوزانیدن بخور، کشیشان و سرپرستها در حالی که صلیب را حمل می کنند، شمعها را روشن نموده و مسوول سوزاندن بخور همراه با گروه نیایشی از شرق به غرب از شمال به جنوب حرکت نموده و در کلیسا طرح صلیب را می سازند. جماعت در جاهای خود باقیمانده و سرود شاهانه را می سرایند.

در انتهای نیایش خاص گروهی، صلیب به سمت محراب آورده می شود و همه آن را به نشانه تقدیس و تبرک می بوسند. پس از بوسیدن صلیب کمی نوشیدنی تلخ را می چشند که از برگهای تلخ و آبی که با آن صلیب را شسته اند ساخته شده است. مفهوم این عمل

نشان دادن شراکت صمیمانه در رنج و مرگ خداوند است. سپس بر اساس سنت محلی، جماعت گرداگرد کلیسا حرکت نموده و یا در برابر صلیب می ایستند و یا در خیابانهای شهر یا دهکده حرکت می نمایند. جماعت وقتی به کلیسا برمی گردند، صلیب را روی جایگاه مخصوص قرار داده، بخور می سوزانند و سپس مجدداً با پارچه سفید صلیب را می پوشانند. سپس خادمان یا کشیشان آن را به سوی قربانگاه برده در زیر محراب دفن می کنند. همه کلیساهای سریانی-مالاباری و دیرها باید فضاهای خاصی برای چنین عملی یعنی تدفین صلیب در زیر محراب تدارک می دیدند. اگر چنین فضاهایی پیش بینی نشده باشد، صلیب بر روی محراب قرار گرفته و با پوششی به نام *Soseppa*، پوشش جام که در این سنت نیایشی نمادی از قبر مسیح است، پوشانده می شود. همه به سوی محراب برگشته و نیایش شبانگاهی را ادامه می دهند.

سنت سریانی شرق مشارکت در قربانی مقدس را نقطه اوج و نتیجه یادآوری شام خداوند می داند و درک می کند، از آنجایی که در جمعه نیک قربانی مقدس برگزار نمی شود، امکان مشارکت در قربانی نیز وجود ندارد.

مسیحیان تومایی نصرانی عادت و سنت مراقبه و شب زنده داری بر سر قبر خداوند را حفظ نموده اند. «پرستشهای آسمانی» (سرودهای الی) که در منابع سریانی در مورد این شب وجود دارند، به خودی خود ارزش و اهمیت این مراقبه طولانی را نشان می دهند. در طول فعالیت میسیونرهای استعماری پس از قرن شانزدهم این رسم مرتبط با نجات از بین رفت. امروزه ما به احیای آن بطور جدی نیاز داریم.

شنبه بزرگ

شنبه بزرگ (شنبه مقدس) با نیایشهایی به شکل تعمق و شب زنده داری و یادآوری جشن رستاخیز نشان شده است. هنگام غروب نیایش شامگاهی به طرز باشکوهی برگزار می شود، که با آیین مصالحه، آیین تعمید و نیز قربانی مقدس همراه است. در این نیایش، موضوع رستاخیز مورد تأکید قرار می گیرد. آیین مصالحه میراث کهن کلیسای اولیه است، که در آن پس از دوران طولانی توبه و اعتراف، گناهکاران در حین برگزاری و یادآوری رستاخیز در کلیسا پذیرفته می شدند. اکنون این آیین به عنوان موقعیت و فرصت مناسبی برای توبه و آشتی همگانی پس از دوران طولانی روزه بزرگ شناخته شده است. تعمید در حقیقت شراکت در مرگ و رستاخیز خداوند به شمار می آید، و کلیسای اولیه همواره اجرای آیین تعمید را در ارتباط با رستاخیز ترجیح می داده است. امروزه آیین تعمید همچنان همراه با مراقبه و بیداری رستاخیز مناسب تر است. در واقع کلیسا ایمانداران به برگزاری

چنین تعمیدی تشویق نموده است. همه این مراسم با قربانی مقدس همراه می باشند.

یکشنبه بزرگ رستاخیز

رستاخیز خداوند ما به عنوان عید الاعیاد شناخته شده است. با این جشن، در سنت سریانی - مالاباری ماهفته های پس از رستاخیز را آغاز می کنیم. اسلسی ترین نیایش مربوط به رستاخیز آشتی است که در ساعت ۳ بامداد در تمام کلیساها و دیوها انجام می شود. این آیین با برافراشتن صلیب که در زیر محراب از روز جمعه تدفین شده است به انجام می رسد.

کلیسا و صلیب به طور استثنایی با چراغهایی به نشانه رستاخیز تزئین شده اند. چنانکه می دانیم نور نمادی از زندگی به شمار می رود. در داخل کلیسا برگهای سبز تازه و دیگر اشیاء تزئینی به کار گرفته شده اند. مراسم در کمترین میزان نور لازم آغاز می شود. هنگامی که سرود رستاخیز سرائیده می شود پرده قربانگاه گشوده شده و برگزار کننده اصلی صلیب را برمی افرازد. متعاقباً همه چراغهای کلیسا روشن می شوند، ناقوسها به صدا در می آیند و تخم مرغها شکسته می شوند. چراغهای قربانگاه با شمع اصلی محراب روشن می شوند و از آنجا شمعهایی که در دست مردم قرار دارد همگی روشن می شوند. صلیب ابتدا روی محراب قرار می گیرد، و پس از اینکه بخور سوزاننده شد توسط گروه نیایشی در تمام کلیسا و یا در خیابانها و کوچه ها گردانده می شود، که بستگی به سنت محلی دارد.

هنگامی که گروه نیایشی به کلیسا بازمی گردد صلیب بر روی محراب برافراشته می شود و سپس خادم تبادل سلامتی را اعلام می نماید. پس از این اعلام همگی صلیب را پرستش می کنند و نشانه آشتی را به یکدیگر منتقل می نمایند و می گویند: باشد که خداوند برخاسته با ما باشد، و پاسخ می دهند: حیات تازه و تازگی با همه ما باد. مسیحیان تومایی نصرانی در قدیم حتی بیرون از کلیسا به یکدیگر تبریک گفته سلامتی برای همدیگر می طلبیدند و این موضوع با همان روش همیشگی در فصل رستاخیز ادامه می یافت.

باشکوه ترین شکل قربانی مقدس عبارت از تاجگذاری یا تقدیس روز است. در پایان قربانی مقدس همگی گرد محراب جمع شده، صلیب را می بوسند و به برگزار کننده ادای احترام می نمایند و برای همه آرزوهای خیر و دعای برکت می نمایند.

پدر وارگر پاتی کولانگارا